

نبود چشم انداز و فاجعه ی معماری انسان گرا

مهدی غریبی

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شیراز gharibi_mehdi@yahoo.com

چکیده

ادموند گتیه (Edmund Getier) در سال ۱۹۶۳ در مقاله‌ی کوتاه و دو صفحه‌ای با ارائه ۲ مثال نقض و سه منبع، تاریخ معرفت شناسی را بعد از بیش از دو هزاره متحول ساخت و سبب گردید ساختار معرفت شناسی ارتقا یابد؛ اما معماری و شهرسازی در جامعه مسلمانان با منابع ارزشمند و فراوان و صدها مثال مؤید گرانبها با شتابی فراوان حتا از ایده های قابل دفاع اولیه خود فاصله می‌گیرد و به شیوه ای انتقادی ایده را فدای فرم، مصالح و در یک کلام بطور کامل تسلیم تکنیک علمی می‌نماید تا آنجا که تصور خود را در جهت دستیابی به آرمانشهر آخرالزمانی مطلوب، در رجعت تکنیکی - نه ایده - به گذشته‌ها می‌بیند، در حالیکه ایده های متلائم فراوانی را با توجه به منابع اصیل خود در اختیار دارد تا بتواند با سرعت و با در اختیار داشتن قدرت تکنیکی ایده های اولیه خود را توسعه داده و بهبود بخشد.

واژه های کلیدی: چشم انداز، ایده های متبلور، معرفت شناسی، مبنای گروهی، تلائم، تبعیض.

۱- مقدمه

مشاهده‌ی بنای اصیل مسجد جامع فهرج، قدرت مبانی نظری اصیل نمود یافته در معماری ایرانی قرن اول هجری را به رخ هر ناظری می‌کشد. بنایی بدون گنبد، کاربندی، تزیینات افراطی، فاقد مناره‌ی اصیل در زمان شکل‌گیری بنا و فاقد تقارن؛ اما به غایت قدرتمند از حیث مبانی نظری‌ای که سبب سقوط ساسانیان گردید و ایرانیان را مسلمان نمود. بررسی این مسجد به وضوح نشان می‌دهد چرا مسلمانان فاقد تجربه ی نبرد نظام‌مند، بر ساسانیان (و نه ایرانیان) دارای تجربه و سیستماتیک پیروز گردیدند و چرا ایرانیان مسلمان شدند و همچنین توضیح می‌دهد چرا هیچ یک از یورشهای متعدد قبلی و بعدی اقوام مختلف، تغییری بدین ریشه‌داری در ایرانیان سبب نگردید. بازار وکیل شیراز، بازار زنجان، روستای خرائق، بافت قدیم یزد، شیراز و ... دیگر مثالهایی هستند که بیان دلیل می‌کنند. اما این ایده‌ی مستحکم که چنین تغییر ریشه داری را سبب گردیده است، چیست و چرا امروزه مفید فایده نیست؟

عدم ناکارآمدی این ایده (ها) بدین دلیل است که هر نظر را یا خام فروشی و خام خواری می‌کنیم - مانند هر منبع دیگری که در دسترس داریم آن هم پس از کشف منبع بدست دیگران - و یا با تعصب، خرافه و توهم آنچنان می‌آمیزیمش که تقریباً چیزی از منبع اولیه به چشم نمی‌خورد، گویی به گونه‌ای جبرگونه ناچار به تبلور (Crystalization) در مواجهه با هر چیز، هر کس و هر عقیده هستیم؛ یعنی ماده‌ی اصلی تفکر را می‌گیریم، حول آنرا با بخار و مذاب ایده‌های التقاطی بلور تشکیل داده، پس از چندی حتی اثری از همان ماده‌ی اولیه تفکر اصیل باقی نمی‌ماند. ایده‌ی باقی مانده هیچ شباهتی به منبع اصیل (Unfeigned) اولیه ندارد. تبلور دو نتیجه‌ی منفی می‌تواند در پی داشته باشد:

۱- تغییر و تحریف ایده های اولیه اصیل آنجا که با ایده های کریستاله مطابقت نداشته باشد.